

ستاره بلعیده شده

قسمت: ۳۸

ارائه‌ای از گروه ناولیست.

کانال تلگرامی ما:

@NovelEast



NOVELEAST
ORDER OF REBEL RAVENS

فصل ۱۸ از جلد دوم: جوخه چکش آتشین

ژانگ زه هو عصبانی شده بود، اون فکر نمی کرد که این تازه کار لو فنگ بهش رو نده.

50- میلیون، نه کمتر؟

ژانگ زه هو طوری بهش خیره شد که انگار می خواد کسی رو بخوره.
اما لو فنگ اهمیتی نداد.

اون پست‌های زیادی رو داخل «خانه ی مرزها» در این مورد خونده بود و می‌دونست که هرکی اول سرش رو پایین بیاره، شکست رو قبول کرده! و توی همچین شرایطی، از نظر فنی، اگه دو نفر در موقعیت های مساوی باشن، طرفی که اشتباه کرده باید عذرخواهی کنه.

با این حال، ژانگ زه هو قاطع بود و به وضوح از موقعیت لو فنگ به عنوان یه تازه کار استفاده می کرد.

با این حال... لو فنگ تحت تأثیر قرار نگرفت.

«خوب، به حرفم گوش کن...»

وو تانگ، مربی ارشد دوجوی محدودیت ها گفت: «لو فنگ و ببر کوهستان، هر دوتون عقب نشینی کنید. ۳۰ میلیون دلار چینی! ژانگ زه هو، ۳۰ میلیون برات زیاد نیست، این پولو بیار و ما اینو لغو می کنیم. لو فنگ، هیچ اعتراضی نداری، درسته؟»

لو فنگ سر تکون داد: «ما همونکاری رو که عمو وو گفت انجام می دیم.»

«ببر کوهستان، تو چی؟»

وو تانگ به سمت ژانگ زه هو نگاه کرد.

نگاه همه به ژانگ زه هو افتاد و اون با عصبانیت از جاش بلند شد و خندید و گفت: «داری مجبورم می‌کنی سرم رو برای یه خرگوش کوچولو پایین بیارم؟ مگه تو خواب ببینی! لائو لی، برادرا، پایین بریم!»

وو تانگ به آرومی خندید: «اگر نمی‌خوای این مشکل رو حل کنی، باید ۱۰۰ میلیون برای محافظت از برادرزادت بدی.»

«من ترجیح می‌دم ۱۰۰ میلیون به کشور بدم تا اینکه ۳۰ میلیون برای حل کردن این مشکل!» ژانگ زه هو به سردی به لو فنگ نگاه کرد و با تمسخر گفت: «بچه، مبارز بودن به این راحتی‌ها نیست! بعد از اینکه شهر رو ترک کردی می‌بینی که هیولاها چقدر ترسناکن. همه ی ترسناک‌ترین موقعیت‌ها بدون هشدار قبلی اتفاق می‌افتن. و هیولاهای اردوگاه نظامی اصلاً به این سطح نزدیک هم نمی‌شن. اون هیولاها توسط ارتش بزرگ شدن و ضعیف‌ترین نوعن. امیدوارم زود نمیری، وگرنه چطوری برگردی تا باهام بازی کنی؟ درسته، بذار بهت یادآوری کنم، من از سطح جنگ سالارخیلی دور نیستم. چقدر طول می‌کشه تا تو به سطح جنگ سالار برسی؟ یعنی می‌تونی تا اون موقع زنده بمونی؟»

لو فنگ خندید: «آقای ژانگ زه هو برای اهمیت دادنتون ازتون ممنونم. با این حال، شما باید بیشتر به فکر این باشین که چطوری ۱۰۰ میلیون برای محافظت از برادرزادتون به کشور بدید.»

«همف.»

صورت ژانگ زه هو گرفته شد: «بیا بریم!»

توپ جنگی چن گو عمداً دو بار با صدایی عجیب فریاد زد: «یک میلیارد مرد، یک میلیارد.»

گروه ژانگ زه هو دیگه صحبت نکردن و رفتن.

با دیدن طوری که اون گروه رفتن، افراد دوجوی مرزها شروع به داد و بیداد کردن.

«اخلاق ژانگ زه هو دقیقاً همون طوری که شایعات می گنه. اونقدر بد که همیشه گفت. واضحه که تقصیر برادرزاده‌اشه و اون بازم نمی خواد سرشو پایین بیاره.»

وو تانگ در حالی که سرش رو تگون می‌داد خندید: «اون ترجیح می‌ده ۱۰۰ میلیون اهدا کنه تا اینکه ۳۰ میلیون برای حل کردن این مشکل بده!»

دوجو و کشور هر دو امتیاز مشارکت دارن!

کسایی که به کشور کمک کردن بسته به کاری که انجام دادن، امتیاز مشارکت دریافت می کنن. ۱۰۰۰۰۰ امتیاز رتبه ی یه ستاره. ۱۰۰۰۰۰۰ امتیاز رتبه دو ستاره... که همون سیستم دوجوی مرزهاست. سالی که یه مرد، دونگ نان بائو، هزاران غیرنظامی رو با کشتن اژدهای سر ببری نجات داد، مدال قهرمان چهار ستاره دریافت کرد.

درست مثل نحوه اهدا کردن پول به دوجو برای بدست آوردن امتیاز مشارکت، می تونید برای گرفتن امتیاز مشارکت به کشور هم کمک مالی کنید.

10 هزار دلار چین یه امتیاز مشارکت.

100 میلیون دلار چین ۱۰۰۰۰ امتیاز مشارکت که رتبه یک ستاره است!

اگر ژانگ زه هو نمی‌خواد با لو فنگ مذاکره کنه، تنها راه حلی که می‌مونه اینه که ۱۰۰ میلیون دلار برای برادرزاده‌اش به کشور اهدا کنه و بزاره برادرزاده‌اش رتبه ۱ ستاره رو بگیره. به عنوان یه غیرنظامی رتبه یک ستاره، ژانگ هائو بای از حقوق ویژه‌ای برخوردار میشه. اون فقط به خاطر درگیری بین خودش و لو فنگ نمی‌تونه برای یه مدت طولانی به زندان بره.

«حتی اگه ۱۰۰ میلیون به کشور بده تا برادرزاده‌اش یه شهروند غیرنظامی بشه، یه غیرنظامی یک ستاره باز هم باید ۳ تا ۵ ماه به خاطر ضد بودن با یه جنگجو به زندان بره و کمی رنج بکشه!»

توپ جنگی چن گو در حالی که سرش رو تکون می‌داد اینو گفت.

«اگه اون نمی‌خواد سرش رو پایین بیاره، پس کی رو می‌تونیم مقصر بدونیم؟»

«فکر کنم اون اهمیتی نمی‌ده چون پول داره.»

جنگجویان دوجوی مرزها با صدای بلند خندیدن.

«لو فنگ...»

وو تانگ، مربی ارشد خندید.

«طبق دستورات رئیس ژو گه، ما باید ترتیبی بدیم که تو وارد یه جوخه جنگنده در سطح جنگ سالارها بشی. اینطوری می‌تونی راحت تر خودتو توی خارج از شهر آموزش بدی. اینجوری هم امن تره! من به خاطر صحبت کردم و مقدمات رفتنت به «جوخه چکش آتشین» رو فراهم کردم.»

«جوخه چکش آتشین؟»

لو فنگ سر تکون داد.

رئیس ژو گه تونگ واقعاً برای اون ارزش قائله، از همون اول بهش اجازه داد به یه جوخه ی جنگنده در سطح جنگ سالارملحق بشه.

جوخه هایی که شهرها رو ترک می کنن و وارد سرزمین های وحشی می شن تا هیولاها رو شکار کنن، حتی یک سطح مهارت هم ندارن. معمولاً اگه یه تیم فقط از یه جنگنده در سطح جنگ سالار تشکیل شده باشه، اون تیم به عنوان یه تیم در سطح جنگ سالار به حساب میاد.

«لو فنگ...»

توپ جنگی چن گو ضربه ای به شونه لو فنگ زد و با صدای بلند خندید: «من نایب کاپیتان جوخه ی چکش آتشینم! وقتی با من باشی ازت محافظت می کنم، اما لو فنگ، اول باید چندتا چیز رو بگم. ما اعضای جوخه چکش آتشین حتما بهت فرصتی برای تمرین می دیم تا بتونی به شکار هیولا عادت کنی، اما تو هم باید سخت کار کنی و نمی تونی فقط به کمک بقیه ی اعضا امیدوار باشی. اگه بعد از اولین ماموریت نتونی خودتو وفق بدی، ما می تونیم از تیم بیرون کنیم.»

لو فنگ خندید و سرش رو تکون داد: «برادر چن، متوجه شدم.»

یه جوخه جنگنده در مرز مرگ و زندگی زندگی می کنه. اگه تیم بار سنگینی داشته باشه، تأثیر خیلی زیادی داره.

«اگر فهمیدی پس می تونم آرامش داشته باشم. هم اینکه...»

چن گو خندید و گفت: «همه ی سلاح ها و تجهیزاتت رو خریدی؟»

«هنوز نه، من دارم آماده می شم تا چنتا از سلاح ها و تجهیزات با کیفیت تر رو بخرم. اما برای اونا، من به یه رتبه یک ستاره نیاز دارم تا بتونم اونا رو نصف قیمت بخرم.»

لو فنگ با ناامیدی سرش رو تگون داد.

چن گو یدفعه شروع به خندیدن کرد: «این ساده ست. به من بگو چی میخوای بخری و من برات میخرم! تو امتیاز مشارکت کافی نداری، اما من دارم! من در حال حاضر زیاد از رتبه مشارکت دو ستاره دور نیستم. می تونم همه اونا رو نصف قیمت بخرم و تو بعداً می تونی پولو به حسابم منتقل کنی، درسته؟»
-بله.

مربی ارشد وو تانگ سرشو از کنارشون تگون داد: «تجهیزاتی مثل سلاح سرد یا گرم رو همیشه بدون مشکل توسط بقیه بخری. البته، چیزهایی مثل طومارها رو بقیه نمی تونن برات بخرن.»

لو فنگ سر تگون داد.

اون اینو می دونست، برای مثال، «تیغه تندر نه مرحله ای» که خریده بود در پایگاه داده های دوجوی مرزها، اتحاد زیرزمینی، دوجوی رعد و غیره مشخص میشد. لوفنگ سه مرحله ی اول «تیغه تندر نه مرحله ای» رو خریده بود. به این ترتیب، می تونست بدون مشکل از تیغه تندر نه مرحله ای استفاده کنه. با این حال، اگه یانگ وو بتونه از «تیغه تندر نه مرحله ای» استفاده کنه، بعد از یکبار گیر میوفته و دستگیر میشه، چون این کپی و انتشار طومار «تیغه تندر نه مرحله ای» محسوب می شه که حقوق ارباب رعد برای این طومار رو نقض می کنه.

اگه اونو نخری، حق نداری تمرینش کنی!

اگه به شخص دیگه ای اجازه بدی چیزی برات بخره، پایگاه داده اونو نمایش می ده. از اونجایی که هیچ اطلاعاتی در مورد خرید طومار وجود نداره، حتی اگه اونو بدست بیاری هم، نمی تونی تمرینش کنی. با این حال، سلاح ها و تجهیزات این نوع محدودیت کپی رایت رو ندارن.

چن گو گفت: «لو فنگ، همه ی سلاح ها و تجهیزاتی که نیاز داری رو یادداشت کن، وقتی برگشتم اونا رو برات می خرم.»
-باشه.

لو فنگ سر تکون داد و بلافاصله رفت تا اونا رو روی یه تیکه کاغذ یادداشت کنه.

※※

همه ی تجهیزات کلاس ۵، ست لباس رزم نصف قیمت ۹ میلیون، تیغه شبخ سری دوی نصف قیمت ۳ میلیون، سپر سری پنج ۱/۵ میلیون، و ده چاقو پرتابی سری شیش، ۱/۵ میلیون بودن. در مجموع ۱۵ میلیون. لو فنگ با کیف و ساعت ارتباطی تاکتیکی خودش مجهز بود.

طبقه دوم خانه لو فنگ مکانی برای تمرین بود.

نور سپیده دم از پنجره می تابید و کل منطقه تمرین رو روشن می کرد. لو فنگ یه لباس دوجوی گشاد پوشیده بود و روی زمین زانو زده بود. فضای تمرین بیش از ۱۰۰ پینگ بود و کاملا خالی بود. فقط لو فنگ وسط نشسته بود، و جلوش یه طومار قرار داشت.

«تیغه تندر نه مرحله ای...»

به نظر می‌رسد یاد گرفتن «تیغه‌ی تندر نه مرحله‌ای» خیلی سخته، یعنی چرا «لو فنگ طومار رو باز کرده بود و داشت نگاهش می‌کرد».